

بیداری و حکومت جهان شمول قرآنی

از نظر آیت‌الله العظمی دکتر محمد صادقی تهرانی

مهدی صادقی اصفهانی

مقدمه

بیداری اسلامی که هم‌اکنون سرلوحهٔ مباحث روز دنیا قرار گرفته تا بتواند به یک اتحاد همه‌جانبهٔ اسلامی برسد، امید است در ادامه به طرف یک بیداری جهان‌شمول و آن هم فقط با محوریت قرآن برسد. در این زمینه نظرات و استدلال‌های منطقی بر مبنای قرآن که در سی جلد تفسیر الفرقان و کتب دیگر مرحوم به تحریر آمده را برایتان بازگو می‌نمایم. بحث را با اثبات رسالت پیامبر بزرگوار اسلام و خاتمیت دین اسلام شروع می‌کنیم سپس با استدلال‌های قاطع وجود قرآن را به عنوان تنها وحی رسالتی برای پیامبر اسلام و اعجاز و خاتمیت و معصوم بودن آن را از زمان غیبت کبری تا روز قیامت بیان می‌داریم.

و در ادامه بیان می‌شود که قرآن کریم **تبیان لکل شیء** گواه بر همه چیز است^۱ و هرآنچه که برای هدایت انسان‌ها لازم است، تا روز قیامت در آن گفته شده است.

هدایت قرآنی و درجات گوناگون آن بیان می‌شود و از عاقبت پنهان‌کنندگان بیانات قرآن و همچنین مفسرین به قرآن بحث به میان می‌آید و با بیان اینکه اهل الذکر کدامند، با استدلال‌های قوی ثابت می‌کنیم که ایمان، تقوا و اسلام بدون اعتصام و چنگ زدن به ریسمان الهی یعنی قرآن و به گونهٔ همگانی نمی‌تواند انسان را مصون از خطا سازد و سپس در مورد احکام شرعی و چگونگی تقلید و تبعیت از احسن القول و تعریف آن می‌پردازیم و در خاتمه نتیجه می‌گیریم که در زمان غیبت تنها مرجع اصلی برای انسان‌ها و مسلمانان جهان، قرآن کریم است و بس و با توضیحی کوتاه دربارهٔ انواع ولایت در اسلام و ولایت شرعی مطلقه و غیرمطلقه بحث را خاتمه خواهیم داد.

امید است ولایت و حکومت قرآنی بر تمامی مردم جهان همانند نور خورشید بتابد که تحقق حقیقی آن به دست امام عصر و زمان مهدی عجله الله تعالی فرجه است. ایشان یأتی بکتاب جدید و آن کتاب همان کتابی است که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید **یارب إن قومی اتخذوا هذا القرآن مهجوراً؛** پروردگار به راستی که قوم من این قرآن را مهجور گرفته و کنار گذاشته‌اند.^۲

اثبات رسالت پیامبر بزرگوار اسلام ﷺ و خاتمیت دین اسلام

گرچه اثبات رسالت پیامبر بزرگوار اسلام نیازی به بشارات پیامبران دیگر قبل از او را ندارد و قرآن به تنهایی می‌تواند بر آن شهید و گواه باشد لیکن برای آگاهی اهل کتاب (یهود و نصاری) گفتن بشاراتی از تورات و انجیل بسیار لازم و تکان‌دهنده است. و چون عیسی پسر مریم گفت: «ای فرزندان اسرائیل من به راستی فرستاده خدا سوی شمایم. حال آنکه تورات را - که ... این سحری آشکارگر است.»^۳ «وَاذْ قَالَ عِيسَىٰ بْنِ مَرْيَمَ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَةِ وَمُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ» (۶۱ - ۶).

۱۵۷ سوره اعراف: الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَا مَرْهُمْ بِالْمَعْرُوفِ.

و می‌دانیم - کسانی که از فرستاده برجسته، پیامبر درس نخوانده را - که (نام) او را نزد خود، در تورات و انجیل نوشته می‌یابند - پیروی می‌کنند. حال آنکه آنان را به کار پسندیده فرمان می‌دهد ...

و در کتب عهدین، در صفحه ۱۱۱ فصل ۴۴ از آیه ۱۹ انجیل برنابا حضرت مسیح در سخنانش پیامبر اسلام را که به بزرگی یاد می‌کند می‌فرماید بدین جهت به شما می‌گویم به درستی که رسول خدای، نیکوئی است که مسرور می‌سازد هر آنچه را که ساخته است ... زیرا که خدای عطا می‌کند به ایشان روح او را به نبوت و چون او را دیدم از تسلی پر شده، گفتم: ای محمد ﷺ خدا با تو باد و مرا لایق آن نماید که دوال نعل تو را باز کنم^۴

قرآن کریم تنها وحی رسالتی برای پیامبر اسلام ﷺ است.

قرآن کریم دفعتاً و به طور مفصل بر پیامبر اکرم ﷺ طی ۱۳ سال نبوت به ایشان نازل گردیده است. خاتم کتب آسمانی و تبیان کل شیء است که انسان برای هدایت هرآنچه را که تا آخر زمان لازم داشته باشد در آن بیان شده در صورتی که کتب دیگر آسمانی ماقبل قرآن این چنین ویژگی خاصی را به همراه ندارند.

وَتَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِهِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (انعام - ۱۱۵)

و سخن پروردگارت [قرآن] در حال راستی و عدالت تمام شده است، و هیچ تغییر دهنده‌ای (حتی خدا) برای کلمات او نیست، و او بسی شنوای بسیار داناست.^۵

و در آیه ۸۹ سوره نحل: وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ

و این کتاب را به تدریج بر تو فرو فرستادیم در حالی که برای هر چیزی روشنگر است، و (نیز) هدایت و رحمت و بشارت برای اسلام آورندگان است.^۶

۳

۴

۵

که لَا رَطْبٌ وَلَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ (انعام: ۵۹)

و هیچ تر و خشکی نیست، مگر اینکه در کتابی روشنگر (ثبت) است.^۷

امیرمؤمنان علی علیه السلام می فرماید: وَ اعْلَمُوا: أَنَّهُ لَيْسَ عَلَى أَحَدٍ بَعْدَ الْقُرْآنِ مِنْ فَاقَةٍ وَلَا لِأَحَدٍ قَبْلَ الْقُرْآنِ مِنْ غِنَى؛ این را بدانید که پس از تابش انوار هدایت قرآن هرگز احدی را به کتاب و قانون دیگری نیاز نیست و به جز قرآن قانون دیگری نیست که رفع نیازمندی‌های دینی و روحانی کند.^۸

و روایت شده از معصومین علیهم السلام که: ان الله تعالى لم يدع شيئا يحتاج اليه الامة الى يوم القيامة الا و قد انزله في كتابه و بينه لرسوله.

خدا آن چه را که بشر تا انقراض جهان از احکام دینی بدان نیازمند است، در قرآن نازل کرده و برای پیمبرش بیان فرموده است.^۹

آیه ۶ باب سوم کتاب حقوق نبی در خاتمیت پیامبر اسلام آمده: هَلِخُوتٌ عُولَامٍ لُو.

راه‌ها و سنن آن قدوس که از کوه فاران (حری) جلالش آسمان‌ها را پوشانیده، عالمی و جهانی است.^{۱۰}

و در انجیل برنابا (فصل ۴۲) می فرماید: و من مسیح نمی شمارم خود را مانند آن که از او سخن می رانید زیرا که من لایق آن نیستم که بگشایم بندهای جرموق یا دوال‌های نعل رسول الله صلی الله علیه و آله را که او را مسیحا می نامید آن که بیش از من آفریده شده و زود است بعد از من بیاید و زود است بیاورد کلام حق را، و نمی باشد آئین او را نهایتی.^{۱۱}

۱۶ فصل ۱۴ یوحنا: وَ أَنَا بَتَّ طَالِبِنُ مِنْ بَبِي وَ خِينِ پارَقْلِيْطَا بَتَّ يِبَلُ لُوخُونُ دِيْشَسُ عَمُوخُونُ هَلْ أَبَدُ.

و من مسیح این مریم از پدر خواهم خواست و او فارقلیط دیگری (پیمبر پسندیده دیگر) به شما (مردم جهان) خواهد داده که تا ابد با شما خواهد ماند.^{۱۲}

و بعد از او پیمبران راستگو که از جانب خدا فرستاده شده باشند، نخواهند آمد لیکن جمع بسیاری از پیمبران دروغگو خواهند آمد و همین است که مرا محزون می دارد.

نام مسیحا عجیب است، زیرا که خدا وقتی روان او را آفرید و در نور آسمانی او را گذاشت او را نامید خدا فرمود صبر کن ای محمد! زیرا که برای تو می خواهم خلق کنم بهشت و جهان و بسیاری از خلائق را که می بخشم آن‌ها را به تو حتی این که هر که تو را مبارک می شمارد مبارک می شود و هر که تو را لعنت کند ملعون می شود. همانا نام مبارک او محمد است.

و در آیه ۳ سوره مائده چنین می فرماید: الْيَوْمَ اكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا

امروز دین شما را برایتان کامل و نعمت خود را بر شما تمام گردانیدم، و این اسلام را برای شما (به عنوان) طاعتی (شایسته و بایسته و پیوسته) پسندیدم.^{۱۳}

و ٤٠ سورة احزاب: مَا كَانَ مُحَمَّدٌ ابَا أَحَدٍ مِّنْ رِّجَالِكُمْ وَلَكِنْ رَسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ
محمد (هرگز) پدر هیچ یک از مردان شما نبوده، ولی فرستاده خدا و خاتم پیامبران بوده است.

اعجاز - خاتمیت و معصوم بودن قرآن از زمان غیبت کبری تا روز قیامت

اعجاز ربانی در آخرین کلمات و حیانی یعنی قرآن نه تنها از نظر معنا بلکه از نظر لفظ و وزن نیز به گونه‌ای معصومانه نمودار شده است.

تا سر حد توان و امکان اضافه بر رعایت معنوی خلود لفظی در فصاحت و بلاغت قرآنی که در دست ماست در سخنی کوتاه و گویا رساترین بیان است. حتی از نظر موسیقی و وزن لفظی در لغات و جملاتش نشانه‌های و حیانی ربانی مشهود است که هیچ خواننده‌ای به فکر تحریف و اینکه مقداری از آن از غیر خدا آمده، نمی‌افتد. با وزنی نه شعر و نه نثر بلکه برتر از هر دو در حدی که در توان غیر خدا نیست بیان گردیده.

وزن و لفظ آن به گونه‌ای تناسب و انسجام با معنا دارد که گویی معناهايش در آن تجسم یافته است، واقعیت‌ها را با مناسب‌ترین لغات و عبارات تنها در قرآن کریم می‌توان دید و بس. و حتی نه در دیگر وحی‌های ربانی که به ما رسیده است.

این جریان همگانی و حیانی قرآن به دلیل خلود و ابدیت آن است. برای همه مکلفان در طول تاریخ و عرض جغرافیای جهان دلالت این لغات و جملات و عبارات در بالاترین حد اعجاز رساننده قطعی مرادات الهی است. و اگر هر حرف یا حرکت یا نقطه و لغتی از آن را برداریم، هیچ چیزی بهتر از آن و یا برابر آن برای تکمیل آیه و دلالت قرآن یافت نمی‌شود. با باور کردن اینکه قرآن موجود و متواتر در دست ما در اعلاترین بلاغت قرار دارد، درمی‌یابیم که **إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ** **إِنَّكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَاكَ اللَّهُ (نساء: ۱۰۵)**

ما هیچ آیه‌ای در قرآن مانند این آیه برای اثبات هیچ مطلبی نداریم که این‌گونه با تأکید مدعا را بیان کند. خدا در این آیه با ده تأکید حفاظت و نگهبانی قرآن را تعهد نموده است و تحریف و حتی جابه‌جایی آیات و الفاظ قرآن کریم را با این تأکیدات و تحکیمات بی‌نظیر محکوم کرده است محققاً ما همین ما این ذکر (قرآن) را فرو فرستادیم و محققاً ما برای آن حفظ کننده‌ایم.^{۱۴}

در آیات ۱۶ تا ۱۹ سورة قیامت لا تُحَرِّكْ بِهِ لِسَانَكَ لِتُجْزَلَ بِهِ (۱۶) **إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ (۱۷) فَإِذَا قَرَأَهُ فَاتَّبِعْ قُرْآنَهُ (۱۸) ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا بَيَانَهُ (۱۹)**. (ای پیامبر!) زبانت را به‌خاطر عجله برای خواندن آن [قرآن] حرکت مده. همانا گردآوریش (جمع و تالیفش) و خواندنش (پس از گردآوریش) تنها بر عهده ماست! پس هنگامی که آن را خواندیم، از خواندنش پیروی کن! سپس بیان آن (نیز) بی‌گمان بر عهده ماست!^{۱۵}
به صراحت و حیانی بودن قرآن در جمع جملات و مفردات و حفاظت آن گویا و روشن است.

قرآن تبیان لکل شیء و گواه بر همه چیز است و هرآنچه که برای هدایت انسان‌ها لازم است، تا روز قیامت در آن موجود است.

در آیه ۸۹ سوره نحل آمده: وَيَوْمَ نُنَبِّتُ فِي كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا عَلَيْهِمْ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَجِئْنَا بِكَ شَهِيدًا عَلَى هَؤُلَاءِ وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَى لِلْمُسْلِمِينَ

و (به یاد آور) روزی (را) که در هر امتی گواهی بر ایشان از خودشان برانگیزیم و تو را (هم) بر (همه) اینان گواه آوریم. و این کتاب را به تدریج بر تو فرو فرستادیم در حالی که برای هر چیزی روشنگر است، و (نیز) هدایت و رحمت و بشارت برای اسلام آورندگان است.^{۱۶}

و در آیه ۶۹ سوره زمر می‌فرماید: وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَوُضِعَ الْكِتَابُ وَجِئَ بِالنَّبِيِّينَ وَالشُّهَدَاءِ

و زمین به نور پروردگارش روشن شد، و کتاب نهاده گشت، و پیامبران و شاهدان آورده شدند.^{۱۷}

با دقت در این دو آیه درمی‌یابیم که با وضع کتاب و آمدن پیامبران زمین نور می‌گیرد که در فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَجِئْنَا بِكَ عَلَى هَؤُلَاءِ شَهِيدًا (نساء: ۴۱) نشان می‌دهد که پیامبر اسلام آخرین پیامبری است که یکی از شهدای آخرین قرار می‌گیرد نه تنها بر اینان در زمان خودشان شهید است بلکه ووقیت کل نفس ما عملت وهو اعلم بما يفعلون ولیکون الرسول علیکم شهیداً نشان می‌دهد که در آیه اولی تنها شهید آخرین همان رسول خداست.

نتیجه می‌گیریم که ونزلنا علیک الکتاب تبیاناً لکل شیء است وهدی ورحمة و بشاری للمسلمین.

این کتاب آخرین برای هر چیزی روشنگر است که در ادامه آیه بعدی، اصول اصلی هدایت قرآن را این چنین می‌فرماید: أمر به عدل و احسان و زکات و خمس و نهی از زشتکاری تجاوزگر و ناپسند و ستم.

این آیه تمامی چیزهایی که بشر برای هدایت تا روز قیامت بدان احتیاج دارد و به آن احتیاج پیدا می‌کند را بیان می‌نماید و از حضرت باقر علیه السلام روایت است که: ان القرآن یجری کجری الشمس.

جریان تابش انوار قرآن بر اجتماعات بشری در اعصار زندگی، هم چون جریان خورشید است^{۱۸} چنان که برای خورشید کهنگی تا انقراض جهان نیست، خورشید فروزان قرآن نیز همدوش با عمر جهان بر بشریت تابش می‌کند. و در کتب آسمانی قبل از قرآن در آیه ۱۴۵ سوره اعراف آیه ۶۳ سوره زخرف از تورات و انجیل این چنین بیان می‌شود: وَكُنَّا لَهُ فِي الْأَلْوَابِ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَوْعِظَةً وَتَفْصِيلاً لِكُلِّ شَيْءٍ. و در الواح (: تورات) برای او از هر چیزی بندی و تفصیلی نگاشتیم. پس: «آن را به جد و جهدی کامل برگیر و قوم خود را فرمان ده (تا) با بهترین روش [: کاوش و کوشش] آن را فرا گیرند.»^{۱۹}

همه چیزهایی که برای هدایت قوم موسی لازم است در الواح و کتاب تورات نازل گردیده و در انجیل^{۲۰} ﴿... جِئْتُكُمْ بِالْحِكْمَةِ وَالْبَيِّنَاتِ لَكُمْ بَعْضَ الَّذِي تَخْتَلِفُونَ فِيهِ﴾ در خاتمه معلوم می‌شود که قرآن همانند کتب آسمانی قبلی خود برای

۱۶
۱۷
۱۸
۱۹
۲۰

یک زمان معینی نیامده و تبیاناً لکل شیء است تا روز قیامت و آنچه را که انسان برای هدایت لازم است بداند، در آن وجود دارد.

قرآن نور و کتاب مبین است آیات ۱۵ تا ۱۶ سوره مائده **يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ كَثِيرًا مِمَّا كُنْتُمْ تُخْفُونَ مِنَ الْكِتَابِ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ**

هان ای اهل کتاب! پیامبر (بسیار برجسته) ما به راستی سوی شما آمده است که بسیاری از چیزهایی را که از کتاب (آسمانی خود) را که پوشیده می‌داشته‌اید، برای شما بیان می‌کند، و از بسیاری (هم در بیان وحیانی و بزه‌اش) چشم‌پوشی می‌نماید بی‌گمان برایتان از جانب پروردگار (تان) نور و کتابی روشنگر آمده است.^{۲۱}

سوره آل عمران آیه ۱۳۸: هَذَا بَيَانٌ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ این (قرآن) بیانی است (وحیانی) برای مردمان و رهنمون و اندرزی است برای پرهیزکاران.^{۲۲}

همچنین که از آیه ۸۲ سوره اسراء پیداست: **وَنَزَّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَ أَيْهٌ يُّنذِرُ** یا آیهها النَّاسُ قَدْ جَاءَتْكُمْ مَوْعِظَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَشِفَاءٌ لِّمَا فِي الصُّدُورِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ قرآن می‌تواند موعظه برای کل انسان‌ها باشد لیکن آنانی که این موعظه را قبول می‌کنند، مؤمنانی هستند که قرآن می‌تواند درمانی برای آنچه بیماری در سینه‌ها دارند و رهنمود و رحمتی بزرگ برایشان باشد.

در توضیح اینکه قرآن نور است ایشان در ذیل آیه ۳۵ سوره نور و بنا به آیه وما ینبغی له ان هو الا ذکر و قرآن مبین می‌فرماید پیامبر همان قرآن مبین است و این دو هیچ‌گاه از هم جدا نیستند همان گونه که نور شامل رسول نور و کتاب نور می‌شود که هر دوی آنها که در اصل یکی هستند^{۲۳} و **یخرجهم من الظلمات الی النور و ینورهم الی صراط مستقیم** را ایجاد می‌کنند.

هدایت قرآنی و درجات گوناگون آن:

اولاً: هدی للناس و بینات من الهدی والفرقان قرآن هدایتی که برای کل انسان‌ها است و آن روشنگری است از هدایت و جداکننده حق و باطل.^{۲۴}

ثانیاً: هدی للمتقین قرآن برای متقین هدایتی خاص است^{۲۵} **والذین اهتدوا زادهم هدی و آتاهم تقواهم** و قسمتی هدایت‌شدگان از مردم که پس از به هدایت لفظی به هدایت عملی رسیدن، با اضافه کردن هدایت الهی برایشان به ایشان تقوا و پرهیزکاری داده شده و از گروه متقین خواهند شد.

ثالثاً: هدایتی است که تکامل یافته و برتر از دو هدایت قرآنی بالا است و آن بهدی به الله من اتبع رضوانه که اینان ایام نعد و ایام نستعین واقعی هدایت قرآنی هستند.

و در مثلث هدایت، سبیل السلام و یخرجهم من الظلمات الی النور یا ذنه و ینورهم الی صراط مستقیم.

۲۱

۲۲

۲۳

۲۴

۲۵

در صورتی که اذن تکوینی خداوند بر انسان‌ها القا نشود، هدایت قرآنی شامل انسان‌ها نخواهد شد.

برای رسیدن به هدانا الصراط المستقیم که الذین انعمت علیهم به آن رسیدند، باید کوشید.

وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ (عنکبوت: ۶۹)

اینان لَهُمْ دَارُ السَّلَامِ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَهُوَ وَلِيُّهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (انعام: ۱۲۷) هستند.

دَعْوَاهُمْ فِيهَا سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَتَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ وَأَخْرَجُ دَعْوَاهُمْ أَنْ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (یونس: ۱۰)

ادْخُلُوهَا بِسَلَامٍ آمِنِينَ (حجر: ۴۶)

و جامع برای سلام در حقیقت دین اسلام و کتاب قرآن کریم است که از طرف خدا توسط رسول خدا آمده است و بس.

خداوند پنهان‌کنندگان بیانات قرآنی را لعن می‌کند:

إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ أُولَٰئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ

اللَّاغِنُونَ (بقره: ۱۵۹)

بی‌گمان کسانی که نشانه‌های روشن و رهنمودی را که فرو فرستاده‌ایم - بعد از آنکه آنها را برای مردم در کتاب [قرآن]

توضیح داده‌ایم - پنهان می‌دارند، خدا ایشان را لعن می‌کند و لعنت‌کنندگان (نیز) لعنتشان می‌کنند.^{۲۶}

سخنان غیر قرآن هرآنچه که ضعیف‌تر از این کتاب وحی است آن را قابل درک و فهم و قطعی‌الدلاله می‌خوانند و

سخنان قرآن را در حالی که بیان للناس و أفصح بیان است، ظنی‌الدلاله.

و به صراحت بیان شده که آیات الهی از گواه بودن و آشکار بودن و هدایت‌گر بودن هیچ کم ندارند و حتی قرآن به

الفاظ بیانات و هدی و بیان نام نهاده شده است و چگونه می‌توان گفت آیات الهی را نمی‌شود فهمید تا چه برسد بگوئیم

ظنی‌الدلاله است.

در الدر المثور ۱: ۱۶۲ پیامبر خدا ﷺ در زمینه کتمان آیات الهی می‌فرماید: شر خلق الله العلماء إذا فسدوا وهم

المظهرون للأباطیل الکاتمون للحقائق

شورترین خلق و بندگان خدا علمایی هستند که هنگامی که فاسد می‌شوند اباطیل و آنچه را که غلط است برای مردم

واژگون بازگو می‌کنند و حقایق و درستی‌ها را از مردم پنهان می‌کنند^{۲۷} ... - اولئك يلعنهم الله ويلعنهم اللاعنون.

این چنین علمایی را خداوند لعن می‌کند و لعنت‌کنندگان نیز لعنتشان خواهند نمود.

آیه ۱۶۰ سوره بقره: إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا وَبَيَّنُّوا فَأُولَٰئِكَ أَتُوبُ عَلَيْهِمْ وَأَنَا التَّوَّابُ الرَّحِيمُ

مگر کسانی که توبه کردند و (فسادکاریشان را) اصلاح نمودند و (حقیقت را) آشکار کردند. پس بر ایشان برگشت

می‌کنم، منم بسیار برگشت‌کننده رحمتگر بر ویژگان.^{۲۸}

علمایی که در طول عمرشان در میان مردم به عنوان عالمان دینی برای مردم مسائل اسلامی را بیان می‌نمایند اگر در

مسائل اسلامی اصلی از کتاب خدا نداشته و بیانات کتاب خدا را همیشه و همیشه کتمان نمایند و یا اصلاً سراغ آنها

۲۶

۲۷

۲۸

نروند. این علما از بدو تحصیلات حوزوی تا وقتی که قلم به فتوا می‌گذارند تا مسائل شرعیه مردم را بازگو نمایند، شاید احتیاجی به خواندن و یا استدلال از قرآن را ندارند و نخواهند داشت.^{۲۹}

این چنین کسانی که در کتمان بیانات قرآن اصرار می‌ورزند بر آنها جز لعنت الهی و لعنت لعنت‌کنندگان اضافه نخواهد شد و در زمره کفارند.

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَمَاتُوا وَهُمْ كُفَّارًا أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ خَالِدِينَ فِيهَا لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ (بقره: ۱۶۲ - ۱۶۱)

بی‌گمان کسانی که کافر شدند و در حال کفر مردند، لعنت خدا و فرشتگان و تمام مردمان - همگی - بر آنان است. حال آنکه در آن (لعنت) جاودانه‌اند؛ نه عذابشان کاسته گردد، و نه ایشان مهلت یابند.^{۳۰}

و اما مستمسکین به قرآن نزد خداوند از مصلحون هستند:

وَالَّذِينَ يُمَسِّكُونَ بِالْكِتَابِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ الْمُصْلِحِينَ (اعراف: ۱۷۰)

و کسانی که به وسیله کتاب (وحیانی، خودهاشان و دیگران را) به درستی نگهداری می‌کنند و نماز بر پا داشتند (بدانند که ما بی‌گمان اجر اصلاح‌کنندگان را تباه نخواهیم ساخت).^{۳۱}

در این زمان دین اسلام آخرین دین کامل الهی شریعت ماست. کتاب آن برای این زمان تا روز قیامت کتاب قرآن همان کتابی است که تمسک به آن می‌تواند انسان‌ها را از زمره مصلحین به حساب آورد در حالی که مصلح اصلی در زمان غیبت همان ولی عصر علیه السلام است که در آخر زمان ظهور می‌نماید ما می‌توانیم با تمسک به قرآن از جمله کسانی باشیم که در رکابش با غیر مصلحین و کفار می‌جنگند.

اهل الذکر

بنا به ﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُوحِي إِلَيْهِمْ فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ بِالْبَيِّنَاتِ وَالزُّبُرِ ۚ ۴۴. وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ﴾ (نحل: ۴۳ و ۴۴)

و پیش از تو جز مردانی که بدیشان وحی می‌کنیم گسیل نداشتیم. پس اگر می‌دانید، از یادآورندگان [پژوهندگان کتاب‌های آسمانی] جويا شوید. ۴۴. (و این جويايي) با نشانه‌های آشکار و نوشته‌ها(ی وحیانی) است، و این ذکر [قرآن] را سویت فرود آوردیم تا برای مردمان آنچه را سویشان نازل شده است (به وسیله قرآن) تبیین کنی. و شاید آنان بیندیشند.

اهل ذکر همان اهل قرآن و ممسکین به این کتاب الهی هستند که در زمان پیامبران قبل از پیامبر اسلام ما می‌توان حضرت عیسی و موسی علیهم السلام را به عنوان اهل ذکر کتب آسمانی زمانشان نامید و در زمان پیامبر اسلام حضرت محمد صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام اهل ذکر و اهل قرآن بودند و مجمع الثقلین ولا یفترقا.

۲۹

۳۰

۳۱

و در زمان غیبت کبری اهل ذکر کسانی هستند که یمسکون بالکتاب واقاموا الصلاة که خداوند آنان را مصلح ذکر می‌نماید و می‌فرماید از اجر آنان کاسته نخواهد شد و در مقابل کسانی هستند که تمامی الذکر یعنی قرآن را حمل می‌نمایند و حتی شاید با صدای بسیار زیبا بخوانند و یا اینکه سر مزارها و قبرستان‌ها از آن استفاده نمایند لیکن حمل قرآن توسط ایشان فقط در همین حد است و بس و هیچ‌گاه به فکر استفاده از این ذکر نیفتاده‌اند و از آن به عنوان یک راهنما و ذکر در طول عمرشان هرگز استفاده نکرده‌اند.

مثل کسانی که به درستی (علم و عمل) قرآن بر عهده آنان گذارده شد، سپس (با کوتاهی کردنشان) آن را بر دوشهانشان نگرفتند، همچون مثل حماری است که کتاب‌هایی را بر پشت می‌کشد.

و در این زمان اهل الذکر اهل کتاب الله قرآن کریم‌اند.

و در خطبه ۱۴۷ از امیرمؤمنان علی علیه السلام آمده:

قوم بر اختلاف اجتماع نمودند و از اینکه با هم باشند، افتراق و جدایی را برگزیدند به گونه‌ای که آنها امامان کتابند در حالی که کتاب امام آنها است و در بین آنها به جز اسم کتاب نمانده و از آن شناختی جز خط زیر و زبرش را ندارند و ... در حقیقت به راستی که حوزه‌های علمیه که نام اسلامی بر آنها نهاده شده اگر مبنای قرآنی نداشته باشند، تماماً به واسطه آیه ۳۰ سوره الفرقان تندید و تهدید شده و پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله می‌فرماید: وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا

«پروردگارم! قوم من بی‌گمان این قرآن را بسی دور و مهجور بر گرفتند.»^{۳۲}

و کاری نکنیم که حوزه‌های علمیه معلمان و پیش‌گراولان این قوم باشند.

در اعتصام به حبل الله یعنی قرآن باید تقوا داشت ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُمْ مُسْلِمُونَ﴾

هان ای کسانی که ایمان آوردید! از خدا - آن گونه که حق پروا کردن از اوست - پروا کنید، و زنه‌ار جز به حالت تسلیم نمرید.^{۳۳}

حق تقاته را اگر حق حقیقی و حقی که شایسته مقام ربوبیت است بدانیم هرگز برای احدی ممکن نیست، و معصومین را نیز شامل نمی‌گردد و هر آنچه که انسان می‌تواند باید در این راه قدم بردارد.

فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ وَاسْمَعُوا وَأَطِيعُوا وَأَنْفِقُوا خَيْرًا لِأَنْفُسِكُمْ وَمَنْ يُوقَ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (التغابن: ۱۶)^{۳۴}

و لَا يَكْلِفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا (بقره: ۲۸۶)

و چگونه کسانی که اصلاً به قرآن توجهی نمی‌کنند می‌توانند از هدایت آن بهره‌مند شوند و یا اینکه حق تقاته یعنی کوشش در راه استفاده از تعالیم ربانی قرآنی را به جای آورند و از این تعالیم بهره‌ای جویند به این چنین افرادی حتی نمی‌توان نام مسلمان نهاد چه رسد علمای اسلامی و این چنین است که امام زمان علیه السلام هنگام ظهور با علمایی مواجه

۳۲

۳۳

۳۴

می‌شوند که پرچمداران اسلام هستند لیکن از اسلام محمدی قرآنی چیزی نمی‌دانند و از آن بسیار دور شده‌اند و گفته می‌شود که ایشان یأتی بکتاب جدید.

بله کتابی که همان قرآن مبین است و آنها فقط همانند حمار آنها را حمل می‌نمایند. لیکن از آن بهره‌ای نجسته و از آن دور شدند و هنگام رجوع به آن هم قرآن را تفسیر به رأی خود می‌نمایند؛ حرام خدا را حلال کُتِبَ را مستحب و الی را مع و ... می‌گردانند.

و در ادامه آیه حق تقاته سوره آل عمران آیه ۱۰۳ خداوند متعال می‌فرماید:

وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا و همگان (با هم) از تمامی ریسمان خدا عصمت بطلبید، و پراکنده نشوید، و نعمت خدا را بر خود یاد کنید: آن‌گاه که دشمنان (یکدیگر) بودید، پس میان دل‌هاتان الفت انداخت، تا به نعمت (و لطف) او برادران (یکدیگر) شدید.^{۳۵}

ایمان، تقوا و اسلام بدون اعتصام و چنگ زدن به حبل و ریسمان الهی و به گونه همگانی نمی‌تواند انسان را مصون از خطا نماید.

همان گونه که در فَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ در آیه ۱۳۲ بقره می‌فرماید و قبل از آن می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى لَكُمُ الدِّينَ فَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ﴾ دین اسلام را تنها نجات‌دهنده انسان پس از مرگ برای مردم زمان پیامبر اسلام ﷺ و زمان غیبت می‌داند.

می‌توان نتیجه گرفت که پس از ایمان و تقوا باید اسلام را به عنوان دین و شریعت انتخاب نمود و با این سه ویژگی می‌توان در راه صلاح و درست قدم برداشت.

چنگ زدن به ریسمان الهی متمسکین به آن را از نظر فطری - عقلی - فکری - علمی - و عقیدتی - و خلقی و سیاسی و جنگی و اقتصادی و حکومتی این ده ویژگی کامل (تلک عشره کامله) به جایگاه عصمت و دوری از خطا نزدیک‌تر می‌نماید. وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى

این اعتصام و چنگ زدن باید به حبل‌الله یعنی قرآن باشد و برای هدایت در راه صحیح و رفع اختلافات همگی باید در این اعتصام شرکت داشته باشیم و برای رسیدن به مرضات الهی در معرفت و طاعت و عبادت این اعتصام همگانی لازم است. حبل‌الله همان قرآن کریم است که می‌فرماید اطيعوا الله في محكم كتابه واطيعوا الرسول واولوا الامر منكم في سنته القطعيه بر هر مؤمنی واجب است.

واجب و لازم است که آماده‌سازی تمام امکانات در همه زمینه‌ها برای دریافت معارف قرآن فراهم شود اگر زبان عربی نمی‌داند یاد بگیرد و یا از ترجمه صحیح آن استفاده نماید اگر زبان عربی می‌داند، با ادبیات قرآن آشنا شود و اگر با ادبیات قرآن آشنا شد، به قرآن چنگ زده و از آن بهره‌مند شود.

و باید همگی مسلمانان جمعاً در این راه شرکت کنند و قرآن را به عنوان نور مبین گرفته و در راه دریافت معارف از این کتاب قدم بردارند همگی با هم همان گونه که از پیامبر ﷺ و ائمه اطهار علیهم السلام گفته می‌شود: اولنا محمد اوسطنا محمد و آخرنا محمد و کلنا محمد

در چنگ زدن به این ریسمان الهی حبل الله همان اول و اوسط و اخری است که ثقلین قرآن و سنت را در بر دارند و در زمان کنونی قرآن کریم حبل الله و سنت قطعیه در لابه‌لای قرآن کریم *أثارة من العلم* است که به ما رسیده و تماماً لن یفترقا و حبل الله المتین را تشکیل می‌دهند که سبب آن پیامبر امین است لا یعوج فیکام ولا یزیغ فیستعتب و پیامبر می‌فرماید *درالمثثور ۲: ۶۰ آمده: قال رسول الله کتاب الله هو حبل الله الممدود من السماء الى الارض*

کتاب خدا اون ریسمان الهی است که از آسمان به سوی زمین کشیده شده ^{۳۶} بله همان ریسمانی است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از بدو نزول از طرف خدا بدون واسطه و یا با واسطه بر پیامبر نازل نمود و در آسمان فقاب قوسین او ادنای در راه خدا به معراج رسیده.

رسول خدا ریسمانی از طرف خدا از معراج برای مکلفان که بتوانند جمعاً و با هم از آن به سوی حق بشتابند را انتخاب نموده و آن حبل الله یعنی همان قرآن است و ما أنا إلا رسول پیامبر گواه بر این است که هیچ ریسمانی جز کتاب الله برای مردم در زمان غیبت باقی نمی‌ماند و سنت قطعیه نیز در زمان غیبت مستفاد از همین کتاب الله است که ما جائکم من حدیث یوافق کتاب الله فأنا قلته وما جائکم من حدیث یخالف کتاب الله فلم اقله ^{۳۷} می‌باشد.

قُلْ نَزَّلَهُ رُوحُ الْقُدُسِ مِنْ رَبِّكَ بِالْحَقِّ لِيُثَبِّتَ الَّذِينَ آمَنُوا وَهُدًى وَبُشْرَى لِلْمُسْلِمِينَ (نحل: ۱۰۲)

بگو: «آن را روح القدس از طرف پروردگارت به تدریج به تمامی حق فرود آورده تا کسانی را که ایمان آورده‌اند استوار گرداند، و برای کسانی که (در برابر خدا) تسلیمند هدایت و بشارتی بزرگ است.» ^{۳۸}

سوره بقره آیه ۹۷

قُلْ مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِجِبْرِيلَ فَإِنَّهُ نَزَّلَهُ عَلٰی قَلْبِكَ بِإِذْنِ اللَّهِ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَهُدًى وَبُشْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ

(به یهودیان) بگو: «کسی که دشمن جبرئیل بوده است (دشمن خداست). به راستی او [جبرئیل]، به فرمان خدا، آن [قرآن] را بر قلبت نازل کرده، در حالی که تصدیق‌کننده آنچه [از کتاب‌های آسمانی] پیش روی اوست می‌باشد، و هدایت و بشارتی برای مؤمنان است.» ^{۳۹}

و در احادیث بسیاری آمده:

از آنها نورالثقلین ۱: ۲۷۷ *إن حبل الله هما الثقلان احدهما اطول اكبر افضل اول اعظم وهو كتاب الله والآخر الأصغر هم عترة رسول الله*

؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟^{۴۰}

۳۶
۳۷
۳۸
۳۹
۴۰

ابن بابویه در کتاب نصوص علی الائمه اثنی عشر که عمر از پیامبر ﷺ پرسید: ^{۴۱} اما کتاب خدا آن را شناختیم پس عترت بیان شده منظور کدام است؟ پیامبر اسلام فرمودند: عترت همان اهل بیت من هستند که هیچ‌گاه از قرآن جدا نمی‌شوند ...

و شکی در این نیست که اهل بیت همان معصومینی هستند که در آیه تطهیر و مباحله و اولی الامر و آیاتی شبیه آن آمده و اینان همان دوازده امام و حضرت صدیقه طاهره علیها سلام و علیهم السلام اجمعین هستند. عدم افتراق اینان به معنای این است که اینان حجتی جدا و متضاد از قرآن نیستند و در اصل اینان معلمین برجسته از مردم برای تعلیم علوم قرآنی و مجمع الثقلین اند.

اعتصام همان درخواست دوری از خطا است و هرآنچه انسان به قرآن بیشتر بتواند تمسک کند و چنگ زند، بیشتر می‌تواند از خطا در تمامی مشکلاتش مصون بماند. و این اعتصام باید همگانی و با هم باشد.

همان گونه که امرهم شوری بینهم بدون همگانی بودن اعتصام حقیقی به قرآن محقق نخواهد شد. پیامبر گرامی در خطبه‌ای می‌فرماید:

فَإِذَا أَقْبَلْتُمْ عَلَيْكُمْ الْفِتْنِ كَقَطْعِ اللَّيْلِ الْمَظْلَمِ فَعَلَيْكُمْ بِالْقُرْآنِ فَإِنَّهُ حَبْلُ اللَّهِ الْمَتِينِ وَ...»

پس هنگامی که بر شما فتنه‌ها و گرفتاری‌ها هجوم آورد، مانند قسمتی از شب تاریک بر شما است که به قرآن روی آورید بدانید که آن ریسمان خدای متین است و ... ^{۴۲} و در این رابطه خداوند می‌فرماید:

أُولَئِكَ يَكْفِهِمْ أَنَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ يُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ (عنكبوت: ۵۱)

آیا و ایشان را بس نبود که این کتاب را - حال آنکه بر آنان خوانده می‌شود - به راستی بر تو فرو فرستادیم ^{۴۳} و در آیه ۱۱۲ آل عمران حبل من الله و حبل من الناس دو ریسمان همان کتاب و اهل کتاب است و بس باید گفت به راستی که حوزات علمیه اسلامیة نباید از ثقل اکبر دور شوند چون ثقل اصغر را نیز در بر دارد زیرا که ثقل اصغر بدون عرض بر کتاب یعنی ثقل اکبر در زمان غیبت فهمیده و شناخته نمی‌شود در نتیجه اینان با دوریشان از قرآن تارک الحبلین خواهند بود.

حبل من الله یعنی قرآن کریم و حبل من الناس یعنی اهل بیت قرآن

﴿مَا أَنْ تَمْسُكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا أَبَدًا﴾ پیامبر می‌فرماید که کسانی که از این دو حبل و ریسمان خدا دورند، در گمراهی و ضلالت خواهند افتاد.

هان ای حوزه‌های علمیه همگی به قرآن حبل الله الممدوده تمسک نموده و تمام مبانی فکری عقلی اصولی و فقهی و عقیدتی و غیره را از قرآن همگی جمیعاً دریافت نمایید.

و با تمسک به حبل الله المتین و امرهم شوری بینهم اختلافات بین خودتان را بکاهید و با اعتصام به آن از اشتباهات مصون بمانید.

۴۱

۴۲

۴۳

فذكر بالقرآن من يخاف وعيد

پس با قرآن هر که را از تهدید من می ترسد یادآوری کن.^{۴۴}

برای اعتصام به قرآن

اولین مرحله بعد از فهم و درک لغت عربی و ادبیات قرآن تدبر در آیات کریمه است.

أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا (نساء: ۸۲)

پس آیا در قرآن تدبر نمی کنند، و اگر (بر فرض محال، قرآن) از نزد غیر خدا بود حتماً در آن اختلاف بسیاری می یافتند.^{۴۵}

أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبِ أَقْفَالُهَا (محمد: ۲۴)

آیا پس آیات قرآن را با نگرشی جامع (درست) نمی اندیشند؟ یا بر دل هایی قفل هایشان نهاده شده است؟^{۴۶}

و خلاصه با کمی تفکر و تعقل و تدبر در قرآن برای کسانی که بر قلوبشان قفل زده نشده درمی یابیم که اگر این کتاب از غیر خدا می بود، اختلاف در آیات، جملات و فصاحت و غیره در آن بسیار یافته می شد که این چنین نیست و به راستی

كَلِمَاتٍ لَكِنِ اللَّهُ يَشْهَدُ بِمَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ أَنْزَلَهُ بِعِلْمِهِ وَالْمَلَائِكَةُ يَشْهَدُونَ وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا (نساء: ۱۶۶)

اما خدا به (حقانیت) آنچه بر تو نازل کرده است گواهی می دهد. او آن را به علم (مطلق) خویش نازل کرده، و فرشتگان (نیز به آن) گواهی می دهند، و گواهی خدا کافی است.^{۴۷}

در این رابطه از امام حسین سیدالشهداء علیه السلام نقل است که:

کتاب خدا بر چهار قسمت آمده عبارات قرآن که برای عوام مردم است و اشارات قرآنی که برای خواص مردم و لطائف قرآن که برای اولیای الهی و حقایق قرآن که مخصوص پیامبر گرامی و ائمه اطهار علیهم السلام است.

و از آیات ولا تقف ما لیس لک به علم و إن الظن لا یغنی من الحق شیئاً درمی یابیم که باید در زمان غیبت کتابی و علمی قطعی و نه ظنی داشته باشیم و با آن بتوانیم برای اطاعت از فرمان الهی و دوری از خطا رهنمود و اندرز دریافت نماییم و آن نیست جز کتاب که تبیاناً لکل شیء و هدی و رحمةً است و بشری برای مسلمین.

۴۴

۴۵

۴۶

۴۷

احکام شرعیه:

احکام شرعیه شامل دو بخش است:

۱. **وحی کتابی:** وَاثَلُ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنْ كِتَابِ رَبِّكَ لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِهِ وَلَنْ تَجِدَ مِنْ دُونِهِ مُلْتَحَدًا؛ و آنچه را که از کتاب پروردگارت سویت وحی شده است (برایشان) بخوان و پیروی کن. کلمات آن [خدا و قرآن] را هیچ‌گاه تبدیل‌کننده‌ای نیست. جز او [خدا و کتابش] هرگز پایگاه و پناهگاهی (و حیانی) نتوانی یافت.^{۴۸} بیان می‌شود.

۲. **وحی سنتی:** آنچه که به پیامبر اسلام وحی شده و پیامبر اکرم از رموز موجود در آیات گرامی دریافت می‌نماید و به نام **أثارة من العلم** آمده است و در نهایت در زمان غیبت وحی کتاب ثابت و بدون تغییر است لیکن وحی سنتی روایاتی است که در این زمان به ما رسیده و آن را باید عرض بر کتاب نمود.

همان گونه که در **سوره نساء آیه ۵۹** آمده (پس اگر در امری (دینی) اختلاف کردید، اگر به خدا و روز پایانی ایمان دارید، آن را به (کتاب) خدا و (سنت) پیامبرش عرضه بدارید)^{۴۹}

نتیجه اینکه به غیر از کتاب خدا در این زمان هیچ چیز جایگاه مستقلی را برای استدلال نخواهد داشت نه شهرت نه اجماع و نه اطلاق و نه روایات مگر آنکه آن را موافق قرآن ببینیم و اگر روایات متواتری بود، باید مخالفتی با کتاب نداشته باشد تا آن را به **دلیل أثارة من العلم** یعنی سنت قطعی قبول نماییم.

قُلْ أَرَأَيْتُمْ مَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَرُونِي مَاذَا خَلَقُوا مِنَ الْأَرْضِ أَمْ لَهُمْ شِرْكٌ فِي السَّمَاوَاتِ ائْتُونِي بِكِتَابٍ مِنْ قَبْلِ هَذَا أَوْ أَثَارَةٍ مِنْ عِلْمٍ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (احقاف: ۴)

بگو: «آیا آنچه را از غیر خدا می‌خوانید دیده (و دریافته)اید؟ به من نشان دهید (که) چه چیزی از زمین را آفریده‌اند، یا (مگر) آنان را در (کار) آسمان‌ها (با خدا) مشارکتی است؟ اگر راست می‌گویید، کتابی پیش از این [قرآن] یا اثر و بازمانده‌ای از دانشی (و حیانی) نزد من آرید.^{۵۰}

در این آیه ثقل اکبر را علم و همان قرآن و ثقل اصغر را **اثارة من العلم** بیان نموده است و حقیقت درستی فقط در انحصار این دو است.

کتاب‌الله محور اول و آخر برای اثبات حق است و حس و عقل و علم برای دریافت معارف این کتاب وسیله‌اند و بهترین و بالاترین مرتبه برای درک معارف را پیامبر گرامی و **ائمة اطهار** بر عهده دارند.

و در نهایت باید گفت طاعت از خدا همان طاعت از رسول خداست و طاعت از رسول خدا همان طاعت از خداست.

زیرا که **مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ (نساء: ۸۰)**

هر که از پیامبر فرمان برد، بی‌گمان از خدا فرمان برده.^{۵۱}

وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ (عنکبوت: ۱۸)

و بر عهده پیامبر جز رساندن (رسای) وحی روشنگر (وظیفه‌ای) نیست.^{۵۲}

۴۸

۴۹

۵۰

۵۱

و فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ (نحل: ۴۳)

پس اگر می‌دانید، از یادآورندگان [پژوهندگان کتاب‌های آسمانی] جویا شوید.^{۵۳}

و در نورالثقلین پیامبر گرامی در باب آیه فوق می‌فرماید:

الذکر من و أئمة اطهار هستیم ...

چگونگی تقلید و اتباع احسن القول

انسان باید تا آنجا که می‌شود خود برای دریافت احکام شرعی و استنباط از قرآن و سنت تلاش نماید و در صورتی که نتوانست، باید کسانی از مؤمنان این تکلیف را بر عهده گیرند و با اجتهاد و استنباط از قرآن و سنت قطعی بر مبنای قرآن مجتهدانی جامع‌الشرایط گردند و مردم دیگر از آنها تقلید کنند.

و در نهایت ۳۸ سوره شوری و کسانی که (ندای) پروردگارشان را پاسخ مثبت داده، و نماز بر پا داشته، و کارشان در میانشان مشورت است، و از آنچه روزیشان داده‌ایم انفاق می‌کنند.^{۵۴} شورای فقهی تراز اول جامعه بهترین گزیده برای اتباع احسن القول هستند.

پنج ویژگی در آیه ۳۷ و ۳۸ سوره شوری و کسانی که از گناهان بزرگ، و زشتکاری‌های تجاوزگر، خود را دور می‌دارند، و چون به خشم در می‌آیند، (هم) آنان در می‌گذرند. و کسانی که (ندای) پروردگارشان را پاسخ مثبت داده، و نماز بر پا داشته، و کارشان در میانشان مشورت است، و از آنچه روزیشان داده‌ایم انفاق می‌کنند. این چنین کسانی می‌توانند برای انتخاب شورای فقهی صاحب رأی گردند.^{۵۵} زیرا که اکثر مردم لایعلمون، لایشکرون، لایؤمنون، لایعقلون و یجهلون و ما یتبع اکثرهم إلا الظن و ما یؤمن اکثرهم بالله هستند.

ولی امر مسلمین نیز از خود اعضای شورای انتخابی فقهی انتخاب می‌گردد و بر محور شوری ریاست امور را بر عهده می‌گیرد.

رای شوری همان رأی اکثریت آرای مطلقه فقیهان می‌باشد و در نتیجه ولی امر هر کسی که باشد، او فقط باید حکم شورای فقیهان را برای مردم بازگو کند و خودش در اتخاذ رأی مانند دیگر اعضای شوری مساوی است در حالی که ریاست این کار را بر عهده دارد هیچ استقلالی در رأی و استبدادی به رأی در این حکومت به وجود نمی‌آید.

اتباع احسن القول همان رأی شورای فقیهان قرآنی است و لا غیر.

۱۰۵ سوره نساء إنا أنزلنا إلیک الکتاب بالحق لیتحکم بین الناس بما أراک الله ولا تکن للخائنین خصیماً ما به راستی این کتاب را به تمام حق (و حقانیت) بر تو نازل کردیم، تا میان مردمان به (موجب) آنچه خدا به تو نشان داده داوری کنی، و زنهاری که برای خیانتکاران جانب‌دار مباش.^{۵۶}

۵۲

۵۳

۵۴

۵۵

۵۶

قلمرو حاکمیت رسول خدا ﷺ بما اراک الله است و بس و آن کتاب الله و سنت قطعیه است.

﴿اِنَّا نَتَّبِعُ اِلَّا مَا يُوْحٰى (انعام: ۵۰)﴾ بگو: «جز آنچه را که به سویم وحی می‌شود پیروی نمی‌کنم.»^{۵۷}

﴿اعراف: ۲۰۳﴾ قُلْ اِنَّمَا اَتَّبِعُ مَا يُوْحٰى اِلَيَّ مِنْ رَبِّي «بگو به راستی که من فقط آنچه را که از پروردگارم به من وحی می‌شود پیروی می‌کنم.»^{۵۸}

﴿قُلْ مَا يَكُوْنُ لِي اَنْ اُبَدِّلَهٗ مِنْ تَلٰقٰءِ نَفْسِيْ اِنْ اَتَّبِعُ اِلَّا مَا يُوْحٰى اِلَيَّ اِنِّيْ اَخَافُ اِنْ عَصَيْتُ رَبِّيْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيْمٍ﴾ (یونس: ۱۵)
بگو: «مرا نرسد که آن را از پیش خود تبدیل کنم (و) جز آنچه را که به من وحی می‌شود پیروی نمی‌نمایم. اگر پروردگارم را نافرمانی کنم همواره از عذاب روزی بزرگ می‌ترسم.»^{۵۹}

حاکمیت رسول خدا در محدودهٔ بما اراک الله است و بس و آن قرآن و سنت قطعیه است که ایشان ولایت شرعیه بر انجام دستورات الهی را دارد و نه ولایت تکوینی و یا تشریحی در ایجاد احکام الهی. و پس از ایشان این ولایت شرعیه را خلفای معصومین بر عهده دارند و پس از خلفای معصومین آیهٔ وشاورهم فی الامر نشان می‌دهد که خداوند می‌خواهد به مردم یاد بدهد که بهترین کار برای دریافت حکمی در زمان غیبت وامرهم شوری بینهم است که ولایت شرعیه بر عهدهٔ شورای فقهایی است که از کتاب و سنت استخراج احکام کرده و تبعیت ایشان تبعیت احسن القول است.

قرآن در زمان غیبت تنها مرجع اصلی برای انسان‌ها و مسلمانان است و بس.

﴿وَمَا اِخْتَلَفْتُمْ فِيْهِ مِنْ شَيْءٍ فَحُكْمُهُ اِلَى اللّٰهِ ذٰلِكُمْ اللّٰهُ رَبِّيْ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَاِلَيْهِ اُنِيْبُ﴾ (شوری: ۱۰)

و دربارهٔ هر چیزی اختلاف کردید، پس حکمش تنها سوی خداست. این پروردگار من است. تنها بر او توکل کردم و تنها سوی او پیاپی بازمی‌گردم.^{۶۰}

در زمان غیبت کبری ما با خداوند از طریق وحی خاتم او یعنی قرآن برای رفع همهٔ اختلافات ارتباط برقرار می‌کنیم و غیر از قرآن هیچ مرجعی معصوم را نمی‌توان انتخاب نمود.

﴿قُلْ اِنِّيْ لَنْ يُجِيْرَنِيْ مِنَ اللّٰهِ اَحَدٌ وَّلَنْ اُجِدَ مِنْ دُوْنِهٖ مُلْتَحِدًا﴾ (جن: ۲۲)

بگو: «هرگز کسی مرا در برابر خدا پناه نمی‌دهد، و هرگز پناهگاهی غیر از او نمی‌یابم.»^{۶۱}

در تبعیت از قرآن باید موحد بود و غیر از قرآن را نباید تبعیت نمود و تبعیت رسول اعلام شده در آیات قرآن همان تبعیت از قرآن است.

۵۷

۵۸

۵۹

۶۰

۶۱

دریافت رسول گرامی از حروف رمزی قرآن و روایات منقوله از پیامبر و ائمه علیهم السلام هنگامی به عنوان سنت قبول می‌شود که مخالف قرآن نباشد و اگر هیچ مخالفتی و یا موافقتی در قرآن از آن نیافتیم، تواتر آن علم‌آور می‌شود و آنها همان *أثارة من العلم هستند که در قرآن کریم بیان شده است.*

النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ (احزاب: ۶)

پیامبر بزرگ به مؤمنان از خودشان برتر (و نزدیکتر) است ^{۶۲}

ولایت پیامبر بر مؤمنان در حیطة ایمان است نه حب و دوستی فقط. این ولایت، ولایت مطلقه شرعیه است که پیامبر بر تمامی مؤمنان در زمان خودش را دارد.

انواع ولایت در اسلام:

وَأَوْلُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ (احزاب: ۶)

مؤمنین بر دیگر مؤمنین ولایت شرعیه دارند ^{۶۳}

بر ایتم، سفیهان دیوانگان، همسران، فرزندان، متخلفین و ولایت بر کل امت اسلامی از شورای فقها و اما ولایت امامان معصوم علیهم السلام، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ولایت خداوند به گونه ولایت شرعیه مطلقه است

إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ (مائده: ۵۵)

ولی شما تنها خدا و پیامبرش و کسانی‌اند که ایمان آوردند (همان) کسانی‌که نماز را بر پا می‌دارند و در حال رکوع زکات می‌دهند. ^{۶۴}

و ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِن تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِن كُنتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا﴾ (نساء: ۵۹)

هان ای کسانی‌که ایمان آوردید! خدا را اطاعت کنید، و پیامبر و اولیای امر (رسالت) را - که از خودتان می‌باشند - (نیز) اطاعت کنید. پس اگر در امری (دینی) اختلاف کردید، اگر به خدا و روز پایانی ایمان دارید، آن را به (کتاب) خدا و (سنت) پیامبرش عرضه بدارید، این بهتر و بازتابش نیکوتر است. ^{۶۵}

ولایت پیامبر ولایت شرعیه مطلقه‌ای است که خداوند برای پیامبر انتخاب نموده و در راستای آن معصومین پس از او ولایت شرعیه مطلقه را دارا هستند زیرا که اینان معصوم و مصون از خطا هستند و می‌توانند این چنین ولایتی را داشته باشند لیکن ولایت خداوند با این دو ولایت فرق داشته و آن ولایت تشریحیه و تکوینی مطلقه است.

در حدیث متواتر از پیامبر آمده:

قال النبي الست اولی بکم من انفسکم قالوا بلی قال فمن کنت مولاه فهذا علی مولاه

که نشان می‌دهد که ولایت شرعیه مطلقه پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به معصومین (۱۲ امام) رسیده و بس.

۶۲

۶۳

۶۴

۶۵

و پس از آنها هیچ گونه ولایت شرعیۀ مطلقه را نمی‌توان تصور نمود زیرا که امام زمان غایب است و ولایت شرعیۀ مطلقه در زمان حضور یک معصوم قابل اجرا است و بس. و در این زمان ولایت فقها را می‌توان و آن هم نه مطلقه در نظر گرفت که هرچه اینان به قرآن نزدیک‌تر شوند و با امرهم شوری بینهم احکام را از قرآن و سنت قطعیه استخراج نمایند و با اعتصام بیشترشان به قرآن و سنت قطعیه از خطا بیشتر مصون می‌مانند و به ولایت مطلقه شرعیه بیشتر نزدیک خواهند شد لیکن به دلیل عدم معصوم بودن به ولایت مطلقه شرعیه نخواهند رسید.

و همان گونه که اطاعت از رسول خدا ﷺ و در حاشیۀ آن ائمه اطهار علیهم‌السلام اطاعت از خداست و بالعکس است. در زمان غیبت کبری اطاعت از شورای فقیهان در راستای آن ولایت فقیهان مطلقه، همان اطاعت از خداست لیکن نه مطلقه.

النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ (احزاب: ۶)

پیامبر بزرگ به مؤمنان از خودشان برتر (و نزدیکتر) است.^{۶۶}

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَلَا تُبْطِلُوا أَعْمَالَكُمْ (۳۳)

هان ای کسانی که ایمان آوردید! خدا را اطاعت کنید، و پیامبرش را (نیز) اطاعت کنید و (با تخلفتان در این میان) اعمالتان را باطل نکنید.^{۶۷}

و آیه ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ وَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ إِذِنَ اللَّهُ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ (فاطر: ۳۲)

- سپس (این) کتاب را به (آن) کسان از بندگان خود که (آنان را) برگزیدیم، به میراث دادیم. پس برخی از بندگان ما بر خود ستمکارند، و برخی (از ایشان) میانه‌رو (عادل) و برخی (هم) از آنان در تمامی کارهای نیک به فرمان خدا (در میان همگان) پیشگامند. و این خود همان فضیلت بزرگ است^{۶۸} (که دارای امتیاز بی مانند پس از رسول گرامی است). برگزیدگان از این سه فرقه برای اینکه وارث کتاب باشند، فقط می‌توانند سابق بالخیرات به فرمان خدا باشند و بس. یعنی بعد از پیامبر گرامی کسانی می‌توانند ورثه کتاب باشند که از طرف خداوند برگزیده شده باشند و آن جز دوازده معصوم پس از پیامبر نمی‌توانند باشند و در ادامه راه آنان ورثه کتاب کسانی هستند که ادامه دهنده راه آنان هستند. در صورتی که معصوم نیستند لیکن با امرهم شوری بینهم فقهای تراز اول جامعه با تمسک به قرآن و سنت قطعیه می‌توانند تالی تلو رسالت محمدیه صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم گردند و اینان ورثه کتاب باشند.

اینان همان مقتصدانی هستند که حسناتشان بیش از سیئاتشان است و یا اینکه عادلانی هستند که با امرهم شوری بینهم می‌توانند تالی تلو معصومین علیهم‌السلام قرار گیرند و در زمان غیبت زمام حکومت را به دست بگیرند.

ما می‌توانیم در ایجاد یک بیداری حقیقی برای ایجاد یک حکومت قرآنی جهان شمول قدم برداریم.

وَأْتَلُ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنَ كِتَابِ رَبِّكَ لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِهِ وَلَنْ تَجِدَ مِنْ دُونِهِ مُلْتَحَدًا (کهف: ۲۷)

و آنچه را که از کتاب پروردگارت سویت وحی شده است (برایشان) بخوان و پیروی کن. کلمات آن [خدا و قرآن] را هیچ‌گاه تبدیل‌کننده‌ای نیست. جز او [خدا و کتابش] هرگز پایگاه و پناهگاهی (وحیانی) نتوانی یافت.^{۶۹}

۶۶

۶۷

۶۸

﴿هَذَا بَصَائِرُ مَنْ رَبَّكُمْ﴾ و ﴿هَذَا بَصَائِرُ لِلنَّاسِ﴾ و ﴿هُوَ الرَّحْمَانُ الرَّحِيمُ﴾
قد جائكم بصائر من ربكم فمن أبصر فلنفسه ومن أعمى فلها

صدق الله العلي العظيم
مهدي صادقي اصفهاني